





زنان خاندان عصر تیموری

دکتر لیلا محمدی



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

تابستان ۱۳۹۸

محمدی، لیلا، ۱۳۵۷.

زنان خاندان عصر تیموری / لیلا محمدی. - قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۸.

هشت، ۲۰۲ ص: مصور - (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۴۹۱: تاریخ اسلام؛ ۱۱۰)

بها: ۲۱۰۰۰۰ ریال

ISBN: 978-600-298-256-8

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیپا.

کتابنامه، ص. [۱۷۷] ۱۸۹؛ همچنین به صورت زیرنویس.
نمایه.

۱. زنان -- ایران -- تاریخ -- قرن ۹ ق. ۲. Women -- Iran -- History -- 15th century. ۳. ایران -- تاریخ --

تیموریان، ۷۷۱ - ۹۱۱ ق. ۴. Iran -- History -- Timurids, 1370 - 1505. ۵. ایران -- اوضاع اجتماعی -- قرن ۹ ق.

۶. Iran -- Social conditions -- 15th century. الف. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ب. عنوان.

۹۵۵/۰۶۶

DSR ۱۰۸۸/م ۳۹/۱۳۹۸

۵۶۱۶۵۴۴

شماره کتابشناسی ملی



زنان خاندان عصر تیموری

مؤلف: دکتر لیلا محمدی (عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر)

ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

صفحه‌آرایی: اعتصام

ویراستار: سعیدرضا علی‌عسگری

چاپ اول: تابستان ۱۳۹۸

تعداد: ۲۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم-سبحان

قیمت: ۲۱۰۰۰ تومان

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، نبش میدان علوم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۱۱۱۰۰

(انتشارات ۳۲۱۱۱۳۰۰) نمابر: ۳۲۸۰۳۰۹۰، ص. پ. ۳۱۵۱-۳۷۱۸۵

تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، کوی اُسکو، پلاک ۴، تلفن: ۶۶۴۰۲۶۰۰

www.rihu.ac.ir

info@rihu.ac.ir

مرکز پخش: قم، خیابان معلم، مجتمع ناشران، طبقه همکف، پلاک ۲۷، تلفن: ۰۲۵-۳۷۸۴۲۶۳۵-۶

سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و هدایت پدیده‌های انسانی در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر است و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظر گرفتن واقعیت‌های عینی، فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارایی این‌گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است.

پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک‌سو و اسلام به عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این‌رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی «ره»، بنیانگذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری «دفتر همکاری حوزه و دانشگاه» را در سال ۱۳۶۱ فراهم کرد و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت استادان حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و در سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جامعه علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار بیش از ۴۹۰ عنوان کتاب و شش نشریه علمی اشاره کرد.

این کتاب به عنوان کمک درسی برای دانشجویان رشته‌های تاریخ فرهنگ و تمدن اسلام و تاریخ گرایش ایران دوره اسلامی در مقطع کارشناسی ارشد و دکتری فراهم آمده است؛ البته دیگر علاقه‌مندان به این زمینه تحقیقی نیز می‌توانند از آن بهره‌مند شوند.

از استادان و صاحب‌نظران ارجمند تقاضا می‌شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، این پژوهشگاه را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی یاری دهند.

در پایان پژوهشگاه لازم می‌داند از تلاش‌های مؤلف محترم اثر، سرکار خانم دکتر لیلا محمدی و نیز از ارزیاب محترم سرکار خانم زهرا روح‌اللهی امیری سپاسگزاری کند.

فهرست مطالب

مقدمه.....	۱
------------	---

فصل اول: نگاهی به سیر تحول پایگاه اجتماعی زنان

زمینه‌های شکل‌گیری فعالیت زنان در جامعه ایران.....	۷
نگاهی کوتاه به جایگاه اجتماعی زنان در غرب و دین اسلام.....	۹
معرفی و نقد منابع.....	۱۵
تاریخ‌های سلسله‌ای.....	۱۵
ظفرنامه نظام‌الدین شامی.....	۱۵
ظفرنامه شرف‌الدین علی یزدی.....	۱۶
عجائب المقدور فی نوائب تیمور.....	۱۸
مطلع سعدین و مجمع بحرین.....	۱۹
مجمع التواریخ سلطانیه.....	۱۹
تاریخ‌های عمومی.....	۲۰
روضة الصفاء فی سيرة الانبياء و الملوك و الخلفاء.....	۲۰
منتخب التواریخ نطنزی.....	۲۱
تاریخ‌های محلی.....	۲۲
تاریخ یزد.....	۲۲
روضات الجنات فی اوصاف مدينة هرات.....	۲۲
منابع ادبی.....	۲۳
۱. تذکره‌ها.....	۲۳
تذکره الشعراى دولت‌شاه سمرقندى.....	۲۳
تذکره بدایع الوقایع.....	۲۴
تراجم و شرح حال‌ها.....	۲۴
تروکات تیمورى.....	۲۴

۲۵	 سفرنامه‌ها
۲۵	 سفرنامه کلاویخو
۲۶	 سفرنامه شیلت برگر

فصل دوم: زنان، ایجاد اتحاد سیاسی (۷۴۷-۸۰۷ ق / ۱۳۴۶-۱۴۰۵ م)

۲۷	 درآمد
۲۸	 زندگی تیمور از آغاز تا دستیابی به حکومت
۳۱	 نقش زنان در دستیابی تیمور به اهداف سیاسی قبل از رسیدن قدرت
۳۲	 دوره سلطنت تیمور
۳۶	 ازدواج‌های تیمور و خاندانش و نقش آنها در ارتقای موقعیت وی
۴۱	 تأثیر ازدواج‌ها در رابطه تیمور با دولت‌های همجوار
۴۲	 نفوذ سیاسی زنان در عصر تیمور
۴۶	 زنان دودمان تیموری در صحنه‌های نبرد
۴۹	 مرگ تیمور؛ دخالت خواتین در اداره امور

فصل سوم: زنان، مشارکت در سیاست (۸۰۷-۸۵۰ ق / ۱۴۰۵-۱۴۴۷ م)

۵۱	 درآمد
۵۲	 خلیل سلطان اولین جانشین تیمور
۵۴	 شادملک آغا و مشارکت او در حکومت خلیل سلطان
۵۸	 دوره سلطنت شاهرخ
۵۹	 قدرت و نفوذ سیاسی گوهرشاد
۶۰	 قدرت گوهرشاد در دوران حکومت شاهرخ
۶۳	 پایگاه سیاسی گوهرشاد پس از فوت شاهرخ
۶۸	 قدرت سیاسی آغا بیگی، نوه تیمور

فصل چهارم: زنان، مداخله در سیاست (۸۵۰-۹۱۲ ق / ۱۴۴۷-۱۵۰۷ م)

۶۹	 درآمد
۶۹	 اداره امپراتوری تیموری پس از مرگ شاهرخ
۷۲	 ازدواج‌ها و نقش آنها در مناسبات جانشینان تیمور با دولت‌های همجوار
۷۳	 زمامداری سلطان حسین بایقرا
۷۴	 نفوذ سیاسی زنان درباری در عصر سلطان حسین بایقرا
۷۵	 قدرت سیاسی پاینده بیگم، نبیره امیر تیمور
۷۷	 فیروزه بیگم، مادر سلطان حسین بایقرا
۷۸	 خدیجه بیگم همسر سلطان حسین بایقرا
۸۰	 پایگاه سیاسی خدیجه بیگم پس از سلطان حسین بایقرا

سیاست زهره بیگی آغا در پایان حکومت تیموری.....	۸۲
خانواده سلطنتی و نقش آن در ثبات سیاست داخلی و خارجی حکومت تیموری.....	۸۳

فصل پنجم: نهاد خانواده، اجتماع و اقتصاد

درآمد.....	۸۵
نهاد خانواده؛ ساختار اجتماعی دولت تیموریان.....	۸۶
حرمسرای تیمور.....	۸۸
نهاد خانواده در دوره تیموری.....	۱۰۳
طلاق در خاندان تیموری.....	۱۰۷
نقش زنان درباری در تعلیم و تربیت شاهزادگان تیموری.....	۱۰۹
نهاد خانواده؛ اوضاع اقتصادی عصر تیموریان.....	۱۱۳
نقش زنان دودمان تیموری در فعالیت‌های اقتصادی.....	۱۱۶
مالکیت و دارایی زنان.....	۱۱۷
کشاورزی و سیستم‌های آبیاری.....	۱۲۱
ساخت و توسعه رباط‌ها.....	۱۲۳
انگیزه‌های اقتصادی زنان دودمان تیموری در ایجاد موقوفات.....	۱۲۵

فصل ششم: نهاد خانواده؛ فرهنگ و مذهب

تجلی فرهنگ و هنر در عصر تیموری.....	۱۳۱
زنان خاندان تیموری از نگاه نقاش‌های مینیاتوری.....	۱۳۳
پوشاک و ظواهر زنان خاندان تیموری.....	۱۳۶
زنان دربار تیموری و هنر معماری.....	۱۴۲
فعالیت‌های زنان خاندان تیموری در عرصه هنر.....	۱۴۵
زنان خوشنویس درباری.....	۱۴۶
زنان شاعر درباری.....	۱۴۷
زنان درباری تیموری و موسیقی.....	۱۵۰
زنان خاندان تیموری و علم‌آموزی.....	۱۵۱
سیاست مذهبی تیمور و جانشینانش.....	۱۵۲
زنان دربار تیموری و تأسیس بناهای مذهبی.....	۱۵۵
احداث خانقاه از سوی زنان خاندان تیموری.....	۱۶۲
موقوفات زنان خاندان دربار تیموری.....	۱۶۳
فعالیت زنان در نهضت حروفیه.....	۱۶۷
مذهب زنان خاندان تیموری.....	۱۶۹
سخن آخر.....	۱۷۱

منابع و مآخذ

- الف) منابع اصلی..... ۱۷۷
تحقیقات جدید..... ۱۸۰
ب) مقالات..... ۱۸۴
ج) سفرنامه‌ها..... ۱۸۸
د) دانشنامه و فرهنگ‌ها..... ۱۸۸
هـ) منابع عربی..... ۱۸۹
و) منابع انگلیسی..... ۱۸۹
ز) پایان‌نامه‌ها..... ۱۸۹

پیوست‌ها

- تصاویر، نقشه‌ها و اسناد..... ۱۹۱

نمایه‌ها

- نمایه اشخاص..... ۱۹۷
نمایه مکان‌ها..... ۲۰۱

مقدمه

مطالعه درباره زنان سلطنتی تاریخ میانه ایران، تنوع در موقعیت زنان را نشان می‌دهد. محققان این تنوع را به وجود ایدئولوژی قدرتمند اسلامی و قوانین ترک-مغول مرتبط دانسته‌اند. در ارزیابی تاریخ زنان درباری در دوره تیموری با تجزیه و تحلیل نقش و موقعیت سیاسی-اجتماعی زنان که متأثر از ساختار قدرت سلطنتی است، می‌توان به بررسی عملکرد آنها در دربار و نوع فعالیت‌های که تعیین‌کننده پایگاه آنان در جامعه عصر خود هستند، پی برد. سلسله تیموریان (۷۷۱-۹۱۱ق/۱۳۶۹-۱۵۰۵م) به دست تیمور و در پی حکومت مغولان در ایران ایجاد شد. وی از میان طایفه برلاس، مغولان ترک مآب شده در الوس جغتایی^۱ که چادرنشینی می‌کردند، برخاست (باسورث، ۱۳۷۱، ص ۵۱۶). تیمور فلات ایران را از شبه قاره هند تا کرانه مدیترانه درنوردید و برای خود پایتختی دائمی در سمرقند ساخت. میراثی که وی برای بازماندگانش بر جای گذاشت شوکت و حشمت تیموریان را در شرق ایران در پی داشت (فراگنر، ۱۳۷۹، ص ۱۹). از آنجا که برنامه دقیق و مؤثری برای جانشینی‌اش وجود نداشت، از این‌رو، دارای سازمان‌بندی سیاسی دقیق در قلمرو خود نبود.

دولت تیموری از اجزای برخاسته از ساز و کار نظامی ترکی-مغولی و نیز آموزه‌های گوناگون فرهنگ اسلامی تشکیل شد که پس از مدتی با قالب ایرانی هماهنگ شد. عالی‌ترین نمونه از این نوع پیوند را می‌توان در سلطنت الغ بیگ در سمرقند یافت، وی در زمان سلطنت پدرش شاهرخ که به دقت براساس احکام شریعت اسلامی حکومت می‌کرد، توانست برای

۱. الوس، معادل تعبیرهای جدید «کشور» و «ملت» است و جغتایی، قلمروی بود که در زمان حیات چنگیزخان (۶۲۴ق) به پسر دوم او جغتای (۶۳۹ق) رسید (فیاض انوش، ۱۳۸۸، ص ۶۶).

اداره دولت از دلبستگی‌اش به یاسا و سنن چنگیزخان بهره بگیرد (بارتولد، ۱۳۳۶، ص ۸). در چنین فضائی، زنان در دربار، عضو جدایی‌ناپذیر طبقه حاکم و افراد نزدیک به حاکم بودند، نقش و موقعیت سیاسی آنان از ساختار قدرت سلطنتی تأثیر می‌پذیرفت، از این‌رو، بر عملکرد آنها در زندگی سیاسی، و قانونمند بودن فعالیت‌های آنها تأثیر می‌گذاشت، البته بخشی از این قدرت مربوط به پیش‌زمینه فرهنگی ترک-مغول و بخشی مربوط به مرکزیت روابط خانوادگی در سیاست و قانون‌گذاری سلسله تیموری بود (Nashat and Beck, 2003, p123). بدین‌سان، با این رویکرد، از یک‌سو ساختار درونی نظام ایلی و سلسله مراتب زنان و مؤلفه‌های قدرتشان بررسی خواهد شد. در این بررسی، ساختار سیاست‌های تیمور و نقش سیاسی زنان در اتحاد و مشارکت با سیاست‌ها و برنامه‌های حاکمان تیموری مورد نظر خواهد بود، از سویی دیگر، در بررسی تثبیت جایگاه زنان در سیاست، رابطه آنان با حکومت ملاحظه می‌شود. در این رابطه به عوامل سازگاری و ناسازگاری زنان با حکومت وقت توجه خواهد شد، سپس با نگاهی به سیر تحول پایگاه سیاسی و اجتماعی زنان، ابعاد قدرت‌گیری و چگونگی دخالت آنان در سیاست مطرح می‌شود.

موضوع بعد نقش زنان در تحولات مربوط به اوضاع اجتماعی و اقتصادی است. با بررسی پایگاه اجتماعی زنان خاندان تیموری، نقش آنان در دربار، به‌عنوان قشری که متأثر از ساختار قبیله‌ای است و با توجه به فرهنگ ایلی خود در طول حکومت تیموری دست به فعالیت‌های گوناگون در جامعه زده‌اند، مورد توجه این پژوهش خواهد بود، همچنین درباره تأثیر متقابل ایدئولوژی اسلامی که موجب ایجاد پایگاهی ارزشمند برای زنان دودمان تیموری در سلسله مراتب قدرت اجتماعی بوده، گفتگو شده است. برای نمونه، آنان در حوزه اجتماعی دربار بسیار فعال بوده و در مجالس رسمی مربوط به اعیاد، جشن‌ها و مراسم گوناگون سوگ و جز اینها حضور فعال داشته‌اند.

در زمینه پایگاه اقتصادی زنان خاندان تیموری، نخست حیات اقتصادی عصر تیموریان بررسی می‌شود و به توجه تیمور و شور و علاقه شاهزادگان و حاکمان تیموری به اوضاع اقتصادی و نتایج مطلوبی که ارائه می‌دهد، پرداخته خواهد شد؛ زیرا آنها به دشت به بازسازی شهرها، به‌ویژه در مقر حکومتی‌شان توجه می‌کردند تا بدین وسیله، با توجه به قدرت و رفاه اقتصادی، جایگاه سیاسی و فرهنگی خود را ارتقا بخشند (فراگنر، ۱۳۷۹، ص ۱۴۰). در این

راستا می‌توان به سلطنت شاهرخ (۸۰۷-۸۵۰ق) اشاره کرد که وی با بازسازی شهرها و روستاها و مکان‌های تخریب شده رونق اقتصادی ایجاد کرد (بلندی، ۱۳۸۹، ص ۱۵)، یا از شاهزادگان دیگر همچون ابوسعید تیموری (۸۵۵-۸۷۳ق) و حسین بایقرا (۸۷۳-۹۱۱ق) یاد می‌شود که توانستند در مقایسه با دوره متقدم تیموریان و دوره‌های میانی، نوعی ثبات برقرار سازند، همچنین درصدد بودند تا پشتوانه اقتصادی لازم را برای فعالیت‌های سیاسی و فرهنگی خویش ایجاد کنند. از این‌رو، همراهی زنان درباری در رفع مشکلات اقتصادی حکومت تیموری، با توجه به سنت‌های ایلی در شکل اقتصادی، موقعیت ویژه‌ای برای زنان درباری فراهم آورد که از مباحث مهم این موضوع است.

موضوع آخر، نقش زنان خاندان تیموری در تحولات فرهنگی و مذهبی است، که به دلیل تجلی فرهنگ و هنر در این دوره و همچنین تسلط دین و مذهب بر جنبه‌های مختلف زندگی، بررسی خواهد شد؛ زیرا ماهیت متمایز دوره تیموری نه نظامی بود و نه سیاسی، بلکه در این دوره، جوشش و غلیان شگفت‌انگیزی از حیات فرهنگی-فکری رخ داد که عناصر ایرانی و ترکی تحت نظارت تیموریان در شکل‌گیری آن سهم داشتند و پشتیبانی شماری از شاهزادگان، مشوق کسانی بود که در آن حوزه فعالیت می‌کردند.

از بارزترین نکته‌ها در مسائل فرهنگی-مذهبی، می‌توان به بناهای امپراتوری تیموری اشاره کرد، که شماری از آنها تاکنون باقی مانده‌اند و توصیف شماری دیگر از سوی نویسندگان آن روزگار که برخی از آنان از سیاحان اروپایی بودند، ارائه شده‌اند. از این بناها به‌عنوان شاهی ارزنده بر شکوفایی معماری اسلامی در این دوره یاد شده است. یکی از ویژگی‌های بارز آنها وابستگی‌شان به سنن معماری موجود به‌ویژه (البته نه انحصاری) سنن معماری ایرانی است، و دیگر التقاطی بودن است. البته نمی‌توان از این اشاره نیز گذشت که خود سلیقه شخصی درباریان هم انگیزه جدیدی به خلاقیت هنری بخشیده است (مظاهری، ۱۳۷۶، ص ۴۶-۵۰).

از این لحاظ، زنان خاندان تیموری نیز در زمینه تأسیس بناهای مذهبی و عام‌المنفعه تلاش فراوانی کردند که از آن جمله می‌توان از بی‌بی خانم همسر تیمور نام برد که مسجد جامع سمرقند به نام اوست (ابریشمی، ۱۳۶۷، ص ۱۳۷). همچنین گوهرشاد، همسر شاهرخ، مسجدی موسوم به مسجد گوهرشاد را در مشهد پی افکند (قصابیان، ۱۳۸۴، ص ۱۰۶). مسلم است که این اقدامات موجب اعتلای پایگاه فرهنگی و مذهبی نامبردگان شده است. در این مبحث بدین

پرسش پاسخ داده می‌شود که: زنان چه گرایش‌های فرهنگی‌ای داشتند و چه تدابیری برای پیشبرد فرهنگ در پیش گرفتند؟ از این‌رو، ضمن ارائه مهم‌ترین مطالب درباره زندگی برخی زنان درباری، از تکاپوهای فرهنگی و معماری این شخصیت‌ها به شیوه‌ای گسترده سخن به میان آمده، همچنین آفرینش‌های فرهنگی و ادبی زنان خاندان تیموری نیز بررسی خواهند شد.

در جایگاه مذهبی زنان خاندان تیموری، ضمن بررسی سیاست مذهبی تیمور و بازماندگان حکومت تیموری، از دیدگاه‌های مذهبی زنان درباری و تلاش‌ها و فعالیت‌های عمرانی آنان در تأسیس بناهای مذهبی گفتگو شده است و از آنجا که تأکید اصلی این مباحث بر عنصر مذهب بوده، از موقوفات زنان خاندان تیموری نیز سخن به میان آمده است.

از این‌رو، با مباحثی که در رابطه با نقش‌های گوناگون زنان دربار تیموری در امور سیاسی و مشارکت و مداخله آنها مطرح شدند، و نیز از مراحل گوناگون حضور زنان در تحولات اجتماعی و اقتصادی و سرانجام در تحولات فرهنگی و مذهبی سخن به میان آمد، این نتیجه قابل دستیابی است که افزون بر وجود زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی بر مبنای ماهیت ایلپاتی، با تلفیق سنت قبیله‌ای با آموزه‌های اسلامی، انگیزه‌ای برای تکاپوهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی - مذهبی زنان دربار تیموری فراهم شد، به گونه‌ای که نقش و تأثیر این حرکت‌ها در دوره‌های بعد تداوم داشت.

روش استفاده شده در این پژوهش، روش تاریخی است؛ از آنجا که یکی از ویژگی‌های اصلی رویدادهای تاریخی، تکرارناپذیری آن به دلیل تعلق به گذشته است، از این‌رو، برای بررسی و بازسازی رویدادهای گذشته با تکیه بر سه خصلت انتقادی، توصیفی و مقایسه‌ای، می‌توان به تحلیل و استنتاج ذهنی وقایع پرداخت. از این‌رو، با نگاه انتقادی به اختلاف‌ها و همانندی‌ها و تکرارناپذیری‌ها در یک رویداد تاریخی می‌توان دریافت که مقایسه این اختلاف‌ها و تلاش برای درک و تشریح علل و اسباب آن موجب دست یافتن به ماهیت پدیده‌های مطالعه شده در تبیین تاریخی می‌شود (ساروخانی، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۱۷۹ و ۱۹۴).

با توجه به اینکه منابع و مآخذ و تحقیقات جدید مشحون از خطاها و کاستی‌ها و تناقض‌هایند. این پژوهش کوشیده است تا تنها به گرد آوردن و کنار هم قرار دادن بسنده نکند و با طرح پرسش‌ها و احتمال‌های مختلف به درک علل احتمالی نزدیک شود و به بررسی تحلیلی و انتقادی بپردازد.

درباره تاریخ زنان درباری در دوره مورد بحث تاکنون پژوهشی روشمند و علمی انجام نشده است. برخی پژوهش‌ها که به سراسر دوران تیموری مربوط می‌شوند، مانند تألیفات عبدالحی حبیبی، بارتولد، فوربز منز، تاریخ ایران کمبریج، هارولد لمب، حسین میرجعفری، درباره جنبه‌های مختلف این دوره تاریخی، آثاری به صورت کتاب پدید آورده‌اند و تنها اشاره‌ای کوتاه به جایگاه زنان خاندان تیموری در دربار داشتند. درباره زندگی، فعالیت‌های اقتصادی-فرهنگی، مذهبی و سیاسی زنان خاندان تیموری که از آنها سخن گفتیم. بیشتر آثار به صورت مقاله به این حوزه‌ها پرداخته‌اند. هرچند مستقل و فراگیر به جایگاه زنان دربار تیموری پرداخته نشده، ولی مطالب مطرح شده بسیار ارزنده و درخور اعتنائند و این پژوهش در حد امکان از چنان آثاری بهره گرفته‌اند.

این کتاب متکی است بر رساله دکتری که نگارنده در سومین فصل تحصیلی سال ۱۳۹۵ش، به دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شیراز ارائه کرد. در اینجا از شورای محترم پژوهشی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه قم و مدیر گروه محترم تاریخ حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای دکتر رمضان محمدی سپاسگزارم که این کتاب را برای چاپ پذیرفتند. از استاد گرانقدرم پروفیسور سیدابوالقاسم فروزانی و از استادان دانشمند پروفیسور عبدالرسول خیراندیش و جناب آقای دکتر احمد فضل‌نژاد که با صبر و بردباری در رفع کاستی‌های این پژوهش راهنمایم بودند، کمال امتنان را دارم. از استادان محترم و بزرگوار پروفیسور حسین میرجعفری و جناب آقای دکتر محمدعلی رنجبر که با دیدگاه‌های ارزشمند خود در راستای تکمیل این پژوهش یاری‌ام دادند، سپاسگزاری می‌کنم. از جناب آقای دکتر محمدباقر خزائیلی برای پیشنهاد چاپ این کتاب و راهنمایی‌های ارزنده ایشان کمال تشکر را دارم. از راهنمایی‌ها و صبوری و داوری سرکار خانم دکتر روح‌الهی امیری و تلاش بی‌دریغ جناب آقای اسماعیل یارمحمدی و از همه سروران ارجمندی که در طی مراحل تحقیق و چاپ کتاب، بنده را یاری کردند، کمال تشکر و قدردانی را دارم و از خداوند متعال برای همه آنان سلامت و طول عمر آرزو مندم.

لیلا محمدی

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد ابهر

فصل اول

نگاهی به سیر تحول پایگاه اجتماعی زنان

زمینه‌های شکل‌گیری فعالیت زنان در جامعه ایران

در طول تاریخ بشر، آنچه هویت زنان و مردان را تعیین می‌کند، تشکیل جوامع انسانی در عرصه خصوصی (خانواده) و عرصه عمومی (اجتماع، سیاست، اقتصاد و...) است. با گذر زمان، به دلیل تغییراتی که در نهادهای مختلف، چون سیاست، فرهنگ و اقتصاد رخ می‌دهند؛ نقش‌های کلیشه‌ای برای زنان و مردان جامعه زمان خود ایجاد شده‌اند.

بر این پایه، با توجه به نظریاتی که در جامعه‌شناسی ارائه شده‌اند، عوامل مؤثری که در نظام‌های اجتماعی به تحلیل و توصیف کنش‌های جمعی می‌پردازند، شامل زنان و مردانی می‌شوند که از ساخت‌های اجتماعی آنها تحت عنوان شرایط اجتماعی عمومی می‌توان یاد کرد و رابطه میان فرد و جامعه همان رابطه میان فرد و ساختارهای اجتماعی به‌طور عام است. با این تفسیر، سه مؤلفه در کنش جمعی فعال‌اند: افراد با رفتار خود، برنامه یا طرح عمل (روابط) و زمینه اجتماعی (جامعه) (زاهد، ۱۳۸۱، ص ۳۱).

به لحاظ هستی‌شناسی، همه این سه مؤلفه اصالت و فاعلیت خاص خود را دارند و هیچ یک از آنها موقعیت ممتازتری بر دیگری ندارد. چون هیچ یک از نظام‌های اجتماعی در حالت متعادل کاملی قرار ندارد، و به لحاظ شناخت‌شناسی رابطه‌ای متقابل میان سه مؤلفه یاد شده حاکم است، نه رابطه علت و معلولی. از این‌رو، نوع اتصالشان با یکدیگر، ابعاد زمان و مکان است که به هم پیوند می‌خورند و آنچه مقصد و هدف این کنش‌ها را نشان می‌دهد مفهوم «جهت» است (همان، ص ۳۱-۳۲). از این نظر، باید اذعان داشت که در سطح کلان، جامعه به‌عنوان یک نظام از سه جزء، سیاست، اقتصاد و فرهنگ تشکیل شده است که همه

اجتماع را می‌سازند. این اجتماع با توجه به موقعیت جغرافیایی هویت خاص خود را پیدا می‌کند و این هویت در چارچوب موجودیت سیاسی بر پایه مؤلفه‌هایی چون سرزمین، جمعیت و حاکمیت پایداری می‌یابد.

با توجه به مطالب یاد شده، مکان مورد مطالعه این پژوهش، از یک سو، آسیای مرکزی و شرقی، از دریای اُختسک تا دریای خزر است که ویژگی‌های طبیعی گوناگونی همانند کوه، دشت، نجد، صحرا، دره‌های حاصلخیز و ریگزارها را شامل می‌شود و ساکنان آن بیشتر با چادرنشینی و صحراگردی روزگار می‌گذراندند و از سویی دیگر، ماوراءالنهر است که میان جیحون و سیحون و کوهستان‌های غربی پامیر قرار گرفته و به اقتضای اوضاع طبیعی این مناطق در قسمت‌های حاصلخیز، زندگی شهرنشینی جریان داشته است (اقبال، ۱۳۷۶، ص ۱-۵). همچنین منطقه مورد مطالعه فلات ایران است، که در بستر جغرافیایی خود با ویژگی‌های طبیعی ویژه و موقعیت ژئوپلیتیکی توانست، عامل تعیین‌کننده‌ای در حیات اجتماعی و ابعاد مختلف زندگی با مؤلفه‌های یاد شده در نظریات جامعه‌شناسی داشته باشد. با این نگاه، افراد جامعه ایران که در قالب سه گونه زندگی عشایری، روستایی و شهری، ساختارهای جمعیتی آن را تشکیل می‌دادند در طول تاریخ نقش مؤثری در رخدادها و حوادث تاریخی این منطقه داشتند. در این نوشتار مکان مورد مطالعه، فلات ایران و ارتباط آن با همسایگان مرزی در شرق در دوره میانه تاریخ ایران است.

با الهام از مطالب یاد شده و با توجه به اینکه نحوه شکل‌گیری حکومت‌های ایران بیشتر بر مبنای ایلی و قبیله‌ای بوده، از این رو، ساختار درونی نظام ایلی و سنت‌های آن و رابطه میان فرد و ساختارهای اجتماعی در زمان و مکان خاص خود بر رابطه متقابل با نهادهای سیاست، فرهنگ و اقتصاد تأثیرگذار بوده است. در این راستا، هسته اصلی جامعه ایلی و عشایری؛ خانواده به عنوان کوچک‌ترین واحد اجتماعی نقش بسزایی را ایفا می‌کرد. چنان‌که ابن‌خلدون می‌نویسد: سازمان اجتماعی جامعه کوچ‌نشینی مبتنی بر خویشاوندی و عصبیت است (ابن‌خلدون، ۱۳۴۷، ج ۱، ص ۳۳۹؛ شهبازی، ۱۳۶۹، ص ۲۱-۲۴) و این خانواده که با ازدواج زن و مرد به صورت چند همسری تشکیل می‌شود، اقتدار مرد در خانه و برتری وی مسلّم و مقام زن به عنوان عضو محترم یا ناموس خانواده تثبیت می‌شود. با تقسیم مسئولیت میان زن و مرد، کارهای مربوط به زراعت، تأمین امنیت و امور شبانی بر عهده مرد قرار می‌گرفت و امور مربوط به پخت و پز،

حمل آب، جمع‌آوری هیزم، دوشیدن حیوانات، درست کردن وسایل و ابزار مربوط به خانه‌داری، تهیه فرآورده‌های لبنی، صنایع دستی و بچه‌داری بر عهده زن بود. به دلیل بر عهده داشتن مسئولیت‌های سنگین کارهای خانه؛ زن ایلی گاه برای انتخاب بانویی جوان برای همسر میانسال خود پیشگام می‌شد که پس از ازدواج، نه تنها موقعیت او در خانه تنزل نمی‌یافت، بلکه در جایگاه بانوی بزرگ مدیریت امور خانه را به عهده می‌گرفت (شعبانی، ۱۳۷۴، ص ۷۹).

با این اوصاف، خانواده به‌عنوان نخستین و مهم‌ترین کانون حیات اجتماعی و واحدی مستقل، افزون بر فرزندآوری و تربیت آنان، به انتقال فرهنگ، آداب، سنت و مهارت‌ها به فرزندان؛ زمینه‌های رشد و فعالیت‌های اقتصادی، فرهنگی، نظامی، سیاسی و مذهبی را در جامعه تأمین می‌کرد (اله یاری، ۱۳۹۱، ص ۴۶-۴۷). در نتیجه این ضوابط و مقررات و در رأس آنها اتفاق مساعد و همیاری میان زن و مرد که اصول اساسی نهاد خانواده را تشکیل می‌داد، معرف آنها برای کسب هرگونه موقعیت و مقام و منزلت اجتماعی تلقی می‌شد. از این‌رو، به مرور زمان و تحت تأثیر شرایط، ساختار اجتماعی یاد شده، منشأ تحولات سیاسی و تاریخی شد و بسیاری از حکومت‌های تاریخ ایران با خاستگاه ایلی و تکیه بر ایلات و قبائل، به قدرت رسیدند. به‌ویژه در شرق ایران، در ماوراءالنهر که با هجوم‌های نظامی مکرر از طرف عناصر جدید ترک و مغول و ازبک و ترکمن و... موجب شکل‌گیری حکومت‌های محلی گوناگون شد، ولی سرانجام سلطه اساسی سیاسی، معنوی و فرهنگی با حاکمیت وقت در فلات ایران بود.

نگاهی کوتاه به جایگاه اجتماعی زنان در غرب و دین اسلام

از آنجا که سخن ما پردازش فعالیت‌های زنان در نهادهای مختلف حکومتی با تکیه بر جایگاه اجتماعی زن در این‌گونه ساختار جمعیتی است بر این اساس، با الهام از نظریات یاد شده در مبحث پیش‌گفته جایگاه و منزلت زنان با تکیه بر ایدئولوژی اسلامی بررسی می‌شود و به دلیل آنکه یکی از عوامل قدرت گرفتن زنان، به‌ویژه در ماوراءالنهر و شرق ایران، ایدئولوژی اسلام است در آغاز دیدگاه‌های متفاوت نسبت به این جایگاه مطرح می‌شود.

مسئله زن در جهان اسلام که جامعه جهانی را متوجه خود ساخته، از یک‌سو نگاه مغرضانه غرب به اسلام را به دنبال داشته است و از سوی دیگر، دیدگاه مدعیان مسلمانی که مروج خشونت و افراطی‌گرایی بودند، موجب شد تا چهره‌ای نادرست و وارونه از اسلام و آموزه‌ها و

معتقدان به آن در سطح جهانی، به‌ویژه در عرصه تاریخ و تاریخ‌نگاری عرضه شود. این در حالی است که موقعیت و جایگاه زن به لحاظ جنسیت در طول تاریخ در موضع فرودستی قرار داشته و تبعیض را با همه وجود تجربه کرده است. حتی در برخی موارد نقد و ارزیابی غیرمنصفانه درباره‌ی انجام می‌شود. به‌ویژه در اروپا که زنان به دلیل جنسیت‌شان تحقیر شده و با غفلت مواجه شده‌اند. به‌گونه‌ای که در مکاتب جدید تاریخ‌نگاری از قرن هجدهم به این سو، ازجمله مکتب آنال در قلمرو گسترده خود به بحث از علوم مربوط به انسان پرداخته‌اند و حتی توجه خود را از رویدادها و شخصیت‌های سیاسی، به طبقات اجتماعی، چون چوپانان و دهقانان منعطف کردند، ولی مشخص نبود که آیا زنان به منزله یک قشر اجتماعی محروم می‌توانستند در ردیف همان چوپانان و دهقانان قرار بگیرند؟ (فصیحی، ۱۳۸۸، ص ۶۱ و ۶۲). البته بیش از آن، رانکه -مورخ آلمانی- بنیان‌گذار علم تاریخ (م ۱۸۸۶م) در رویکرد سیاسی خود به تاریخ، برای زنان به منزله موضوع تاریخ یا مورخ جایگاهی در نظر نگرفته بود. همچنین بورکه‌هارت -مورخ سوئیسی- که در واکنش به تاریخ سیاسی رانکه، تاریخ فرهنگی را ایجاد کرد و در سه اثر بزرگ خود که فرهنگ اروپا را در یونان باستان، امپراتوری روم در عهد کنستانتین و ایتالیای عهد رنسانس مطرح کرد، نگاه متفاوت زنان را در ساختن فرهنگ این سه عصر در نظر نگرفت.

در مباحث یاد شده به زندگی مردان حذف شده از صحنه تاریخ، مانند کارگران و اقلیت‌های نژادی و قومی پرداخته شد، ولی به زنان توجهی نشد. فقط در تاریخ‌نگاری مارکیستی بود که ریشه ستم بر زنان در سرمایه‌داری و مالکیت خصوصی دیده شد؛ هرچند زنان همچنان جزء عوامل ثانوی باقی ماندند. برای مثال، در انگلیس تا اواخر سده نوزدهم، زن شوهردار موقعیتش در سطح یک فرد سفیه یا سطح پایین بود، او به هنگام ازدواج اموال و دارایی خود را به شوهرش منتقل می‌کرد (ستاری، ۱۳۸۴، ص ۴۰).

هرچند، منشأ ستم بر زنان در جهان غرب تنها شرایط اقتصادی و تاریخی نبود، بلکه جنبه‌های بیولوژیکی و روانی نیز در این بهره‌کشی سهمیم بودند. در حقیقت ظهور سه موج فمینیستی به‌طور مشخص از سده نوزدهم به این سو، حقوق و مطالبات زنان را با جدیت فراوان مطرح کرد (فصیحی، ۱۳۸۸، ص ۶۳-۶۵). این در حالی است که به نظر شاهدان غربی همچون رونالد جنکینز (م ۱۹۷۵م) زنان در اجتماع و اقتصاد تمدن اسلامی دارای جایگاهی پست و پایین بوده‌اند، یا بیشتر نویسندگان اروپایی و صاحب‌نظران متعلق به سده نوزده و ابتدای سده بیستم، فرهنگ و

قوانین اسلامی را سرکوبگر زنان دانسته‌اند (همبلی، ۱۹۹۸، ص ۳-۴). نشأت در کتاب زنان در ایران، از طلوع اسلام تا ۱۸۰۰م. می‌نویسد: ایدئولوژی اسلامی، زنان سلطنتی را در خاورمیانه منزوی کرد، ولی قوانین ترک و مغول به آن زنان، موقعیت بالایی در جامعه بخشیده است (نشأت، ۲۰۰۳، ص ۱۲۱). در حالی که، دین اسلام فعالیت‌های سیاسی زنان را نه تنها جایز، بلکه ضروری می‌داند. از دیدگاه اسلام، زن همانند مرد می‌تواند در امور سیاسی دخالت کند. در دستگاه حاکمیت و قدرت سهم داشته باشد و هیچ مانعی در این زمینه وجود ندارد (حسینی، ۱۳۸۰، ص ۸۱). به‌ویژه در برابر هجوم کفار و مشرکان، اعم از هجوم فرهنگی و نظامی، زن می‌تواند نقش مهمی ایفا کند. همچنین از دیدگاه اسلام، زن مسلمان نباید به بهانه پرداختن به فعالیت‌های سیاسی، وضعیت خانوادگی را آشفته سازد و نباید به بهانه پرداختن به امور خانه، یکسره فعالیت سیاسی را کنار بگذارد. همانند حضرت فاطمه (علیها السلام) که در کنار انجام امور داخلی خانواده و تربیت فرزندان فعالیت سیاسی خود را در دفاع از حق و حقیقت انجام می‌دهد (ارسطا، بی‌تا، ص ۱۴۶). خداوند متعال در قرآن کریم، هنگام توصیف منشأ خلقت انسان‌ها، خطاب به آنان می‌فرماید: «ای مردم! ما شما را نخست از مرد و زنی آفریدیم و آنگاه شعبه‌های بسیار و فرقه‌های گوناگون گردانیدیم تا یکدیگر را بشناسید. بزرگوارترین شما نزد خدا باتقواترین شماست» (حجرات، ۱۳). این آیه به انسان‌ها می‌آموزد که آنان از یک مرد و یک زن خلق شده‌اند. و بر این معنا دلالت دارد که زن و مرد از دیدگاه ماهیت انسانی خود، در یک سطح قرار دارند. مؤلف کتاب سیمای زن در فرهنگ ایران، به نقل از محمد عزیز لهیسی - محقق مراکشی - درباره جایگاه و شخصیت زن در دین مبین اسلام چنین می‌نویسد: «اسلام قائل به "شخصانیت" (مفهومی گسترده‌تر از فردیت و ذاتیت) زن است ... و زن، در اسلام چون دارای حقوقی (فقهی، خانوادگی، انسانی و...) است، شخص و صاحب ذات و فردیتی شاعر به نفس خود است و این ذات و فردیت خودآگاه، اساس و مبنای اجتماعی دارد. اسلام زن را از یوغ قبیله و نواهی و محرمات و عادات جاهلی رها کند و به او اختیاراتی اساسی بخشید و نیز پایگاهی اعطا کرد که به وی مجال و امکان می‌دهند تا آزادی‌های دیگر (از جمله: حقوق سیاسی، حق کار و...) کسب کند. حتی ابن حزم (۳۴۸-۴۵۶ق) در الفصل فی الملل و الاواء و النحل، معتقد است: «زن می‌تواند به مقام نبوت نائل آید» (ستاری، ۱۳۸۴، ص ۳۷). خداوند متعال در سوره بقره آیه ۱۴۳ می‌فرماید: «و این چنین شما را امت میانه‌ای قرار دادیم تا بر مردم گواه باشید و پیامبر هم بر شما گواه است».

با این اوصاف، براساس احکام قرآنی، زنان دارای شخصیتی حقوقی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مستقل هستند. و با ظهور اسلام این دگرگونی‌های عمیق در حقوق زنان ایجاد شد و شأن و منزلت زنان بالا رفت (آیینہ وند، ۱۳۸۴، ص ۶-۱۰). در آیه نخست سوره نساء آمده است: «ای مردم! خدا همه شما را از "نفس واحد" آفرید و از آن، جفت او را نیز خلق کرد، و از آن نفس واحد در اطراف عالم مردان و زنان بسیاری را برانگیخت». در این آیه، بدین موضوع اشاره شده است که زنان و مردان و همه انسان‌ها از یک منشأ - یعنی یک خانواده یا یک پدر و مادر - خلق شده‌اند. این آیه نشان می‌دهد که زنان در انسان کامل بودن با مردان سهم و برابر هستند. هرچند پس از رحلت پیامبر ﷺ، پدید آمدن اختلاف‌های جانشینی و ایجاد فرقه‌های مختلف، موجب شد شرایط زنان نیز تحت تأثیر عرف و آداب زمانه که برگرفته از دین و ارزش‌های گذشته اجتماعی و محیطی بود، قرار بگیرد و در عمل از مسیر اصلی خود منحرف شود؛ یعنی ترکیبی از اسلام و ارزش‌های اعراب جاهلی به مرور حقوقی را که زنان در اسلام داشتند، از آنان سلب کرد و طبق آن آداب و رسوم جاهلی، مرد قدرت مطلقه، و حق تصرف در احوال و اموال زن را یافت و دنیای زن و مرد از هم جدا و در نتیجه زن به درون خانه محدود شد که این فرهنگ در دوران خلفای اموی و عباسی همانند میراثی به ممالک فتح شده رسید. هرچند مقتضیات قومی و فرهنگی و اجتماعی جایگاه و پایگاه خود را حفظ کردند. برای مثال، زنان عشایر و روستایی و بادیه‌نشین نسبت به زنان شهری آزادتر می‌زیستند (ستاری، ۱۳۸۴، ص ۹۶-۹۸).

بر این اساس، ایران نیز با توجه به موقعیت جغرافیایی، دارای ترکیب جمعیتی با ساختار و سازمان اجتماعی خود بود که با ویژگی متحرک بودن جامعه ایللی، خودگردانی، شجاعت و جنگاوری عناصر ایللی و به‌ویژه جغرافیای کوچ‌نشینی، زمینه‌های حضور فعال زنان آن را در نهادهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در صورت به قدرت رسیدن آن ایل فراهم می‌آورد. از این نظر، به بررسی کوتاه جایگاه اجتماعی زنان ایران پرداخته می‌شود.

پس از ورود اسلام به ایران و تشکیل نخستین سلسله ایرانی طاهریان (۲۰۵ق) در خراسان، تا آغاز حکومت غزنویان به مدت ۱۸۵ سال سلسله‌های مختلف ایرانی همانند سامانیان، صفاریان، آل محتاج، آل مأمون، باوندیان، آل بویه و... توانستند استقلال نسبی ایران را احیا کنند. در این مدت زنان توانستند با توجه به وضعیت و موقعیت خانوادگی در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی دست به فعالیت بزنند.

مصادف با طلوع اسلام، در عرصه سیاست، نخستین بانوی ایرانی به نام «آزاد» در یک نهضت اجتماعی قیام کرد. وی همسر شهریار پسر بازان، نایب السلطنه ایران در یمن بود که پس از کشته شدن همسرش، فرماندهی سپاهیان را به عهده گرفت (بیهقی، ۱۳۵۲، ص ۷۰-۷۲). وقتی پیامبر ﷺ از فداکاری‌های این زن مطلع شدند در حق ایشان دعا کرد (معارفی، ۱۳۵۰، ص ۸). از دیگر زنان مشهور تاریخ سیاسی ایران، پوران خاتون، مادر حسن میمندهی، مشهور به حسنک وزیر، است. او دارای دو فرزند پسر بود که یکی، وزیر محمود و مسعود غزنوی و دیگری هم در دستگاه دیوانی بود. او مشاور فرزند بزرگش، حسنک وزیر بود (تاریخ آل بویه، بی تا، ص ۲۲).

سیده ملکه خاتون، همسر فخرالدوله دیلمی (۳۶۶-۳۷۸ ق) که به نیابت سلطنت فرزند خردسالش مجدالدوله در ناحیه ری رسید، با درایت تمام اوضاع آشفته کشور را به لحاظ سیاسی، فرهنگی و اقتصادی سر و سامان داد. وی نخستین فرمانروای زن ایرانی مسلمان پس از اسلام بود (توکلی، ۱۳۸۷، ص ۳۹). همچنین زبیده، همسر هارون الرشید، خلیفه عباسی، به عنوان یک زن ایرانی توانست نقش مهمی در سیاست پردازی‌های همسرش داشته باشد (نوروزی، ۱۳۸۷، ص ۵۳).

ترکان خاتون، همسر ملکشاه سلجوقی، از زنان توانای تاریخ ایران محسوب می شود که در مسائل سیاسی مشاور همسرش بود. وی در حکومت ملکشاه سلجوقی، در خدمت همسر خود و مخالف سرسخت خواجه نظام الملک، وزیر ملکشاه بود و بسیار آبادی‌ها را ساخت (مصفا، ۱۳۷۵، ص ۱۰۵).

در عرصه فرهنگ، بوران (۱۹۲-۲۷۱ ق) دختر حسن بن سهل (۲۳۶ ق)، وزیر معروف مأمون خلیفه عباسی (۱۹۸-۲۱۸ ق)، با مأمون ازدواج کرده و توانست در نجوم و ریاضیات مهارت فراوان به دست آورد (مشیر سلیمی، ۱۳۳۷) رابعه قزدار،^۱ دختر کعب امیر بلخ و از اهالی قزدار و معاصر رودکی (۳۲۹ ق)، که نخستین زن صاحب دیوان فارسی بود که اشعارش در دربار امیر نصر سامانی (۳۰۱-۳۳۱ ق) در بخارا خوانده می شد (صدر، ۱۳۲۴، ص ۱۲۲-۱۲۹).

در عرصه اقتصاد، زاهده خاتون (۵۴۳ ق) همسر اتابک بُزابه (۵۳۲-۵۴۳ ق) حاکم فارس که به کمک همسرش به امور کشورداری پرداخت و مدرسه‌ای بسیار عالی در شیراز ساخت و املاک بسیار برای آن وقف کرد. اُم جعفر، همسر یحیی برمکی و مادر جعفر و فضل

(۱۷۰-۱۹۳ق) ثروت و مال و مکت فراوانی را در اختیار گرفتند (رجبی، ۱۳۷۴، ص ۷۶). بدین‌سان، زنان ایرانی مسلمان تا به قدرت رسیدن ترکان و سپس مغولان در ایران، الگویی از اقتدار و درایت را نشان دادند. هرچند حاکمیت زنان ایرانی در مسند پادشاهی پیش از اسلام در ایران کاملاً مشهود است، ولی تلفیق سه عامل مهم در حاکمیت، زن، ایرانی و اسلام با عناصر مهم حکومتی که شامل پشتوانه‌های اقتصادی، نظامی و سیاسی بود، زمینه فعالیت‌های زنان در عرصه‌های گوناگون اجتماعی را در جامعه ایرانی فراهم آورد (توکلی، ۱۳۸۷، ص ۵۸).

با به قدرت رسیدن قبائل متعدد ترک و مغول^۱ بنابر آداب و سنت شیوه زندگی ایلی و عشایری زنان نیز توانستند به سهم خود با قدرت‌یابی همسرانشان از این فرصت استفاده کرده و با پشتوانه سیاسی، اقتصادی و نظامی و به‌ویژه ایدئولوژیکی به ایفای نقش پردازند. بیانی می‌نویسد: «زن و مرد در قبائل ترک تقریباً از حقوق مادی و معنوی مساوی برخوردار بودند. زنان در کار خانواده، گردش چرخ اقتصادی، جنگ و امور گوناگون دیگر قبیله همراه همسران خود مشغول فعالیت می‌بودند، ثروت خویش داشته‌اند، مقاماتی نائل می‌شده‌اند و در مواقع لزوم، زمام امور قبیله و یا ایل را در دست می‌گرفته‌اند» (بیانی، ۱۳۵۲، ص ۱).

در نتیجه باید اذعان داشت با توجه به ساختار اجتماعی و عملکرد کنشگر در زمینه‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی در هر نوع از جامعه در هر زمانی تحت یک برنامه خاص و ایدئولوژیک، زنان به اقتضای محیط و موقعیت خانوادگی و به‌ویژه قدرت‌یابی همسرانشان در چارچوب شرایط موجود فعالیت کرده و موانع اجتماعی را از پیش پای خود برداشته‌اند؛ لذا فعالیت‌های زنان در هر جامعه‌ای مختص به قوم، یا گروه خاصی نیست.

۱. به دلیل افزایش قدرت و نفوذ سیاسی و اجتماعی روز افزون ایرانیان، حاکمان عباسی همچون مأمون، معتصم و متوکل، برای کاستن قدرت ایرانیان با تقویت امیران ترک حنفی میان ایشان و خواجگان ایرانی‌شان، مانند بومسلم نوبختی، برمکی و افشین تضاد انداختند و از این اختلاف برای سرکوبی سلسله‌هایی چون سامانیان، آل‌زیار، آل‌بویه، مأمونیان و... بهره گرفتند. بدین وسیله جنبش‌های مازیار، سپیدجامگان، بابک خرم‌دین و نهضت‌های مخالف ایرانی را در هم شکسته و موجبات تسلط ترکان غزنوی، سلجوقی، خوارزمشاهیان، اتابکان و قراختانیان را به مدت ۲۷۰ سال، از سال ۳۴۶ق تا حمله چنگیزخان مغول در سال ۶۱۶-۶۱۷ق فراهم آوردند (زرین کوب، ۱۳۶۸، ص ۸۰-۹۵).